

گزارش «وطن امروز» از عقب‌نشینی عربستان از نمایش پول‌پاشی در فوتبال

بادکنک سعودی ترکید



مهدی طاهرخانی

قرار بود فوتبال عربستان با پول نفت، قواعد بازار نقل‌وانتقالات را برای همیشه تغییر دهد؛ پروژه‌ای که با ورود کریستیانو رونالدو آغاز شد و پس از آن با لشکرکشی ستاره‌های سرشناس اروپا به ریاض و جده ادامه پیدا کرد. آن روزها هر بازیکنی که قراردادش به پایان نزدیک می‌شد یا از شرایط باشگاهش رضایت نداشت، در کنار نامش پیشنهاد چندصد میلیون یورویی از عربستان هم دیده می‌شد. سعودی‌ها می‌خواستند ثابت کنند که هیچ ستاره‌ای در فوتبال جهان قیمت دست‌نیافتنی ندارد اما حالا، تنها چند سال بعد، همان پروژه پرس و صدا آرام‌آرام در حال عقب‌نشینی است؛ عقب‌نشینی‌ای که هرچند کسی حاضر نیست آن را به زبان بیابرد اما شواهد بازار نقل‌وانتقالات به‌وضوح از آن خبر می‌دهد.

صلاح: نه بزرگ به پروژه سعودی

چهار سال تمام، رسانه‌ها از انتقال محمد صلاح به لیگ عربستان نوشتند. الهلال، الاتحاد، النصر، الاهلی و حتی القادسیه، هر کدام در مقطعی مقصد احتمالی ستاره مصری معرفی شدند. تصور عمومی این بود که دیر یا زود صلاح هم مانند بسیاری دیگر، راهی لیگ سعودی خواهد شد، بخصوص وقتی صحبت از پیشنهادهایی با ارقام نجومی و درآمدی فراتر از تصور مطرح می‌شد.

اما پایان این داستان، آن چیزی نبود که ریاض انتظارش را داشت. صلاح در پایان قراردادش، بدون آنکه باشگاهی مجبور به پرداخت مبلغ انتقال باشد، مسیر دیگری را انتخاب کرد و ترجیح داد راهی فوتبال ترکیه شود؛ لیگی که حتی از نظر مالی با مشکلات متعددی روبه‌رو است و بارها اخبار مربوط به تأخیر در پرداخت دستمزد بازیکنانش منتشر شده است. اگر بازیکنی مانند محمد صلاح، آن هم به‌عنوان بازیکن آزاد، حاضر نشود پیشنهادهای عربستان را بپذیرد، یعنی جذابیت آن پروژه دیگر مانند گذشته نیست.

دیگر خبری از شکارهای میلیاردری نیست

نگاهی به عملکرد باشگاه‌های عربستانی در دو تابستان گذشته، تفاوت را به‌خوبی نشان می‌دهد. الهلال برای جذب مارکوس لئوناردو، ژواو کانسلو و متعب الحری نزدیک به ۱۰۰ میلیون یورو هزینه کرد. الاتحاد با خرید موسی دیاوی و استیون برخوان بازار را تسکان داد. الاهلی ایوان تونی و وندرسون گالو را با هزینه‌ای سنگین جذب کرد و النصر نیز علاوه بر خرید بنتو، گابریل و ولسلی، جان دروان را هم با رقمی قابل توجه به خدمت گرفت.

اما حالا چه؟

مهم‌ترین خریدهای این تابستان به سامرویل، فرانسیسکو تریکانو و ادوارد اسپرئسیان خلاصه می‌شود؛ انتقال‌هایی

که در مقایسه با خریدهای سال‌های گذشته، بیشتر شبیه فعالیت یک لیگ معمولی هستند تا پروژه‌ای که قرار بود

فوتبال دنیا را به تسخیر خود درآورد. بازاری که روزی هر صبح با یک بمب نقل‌وانتقالاتی آغاز می‌شد، حالا دیگر همچنان گذشته را ندارد.

وقتی دستور صرفه‌جویی صادر شد

عده‌ای تصور می‌کنند عربستان دیگر پول ندارد اما مساله این نیست. اصل ماجرا تغییر سیاست است. دولت عربستان از چند ماه قبل مسیر سرمایه‌گذاری صندوق سرمایه‌گذاری عمومی را تغییر داده و اولویت را به پروژه‌های اقتصادی و داخلی داده است. به بیان دیگر، همان نهادهی که تا دیروز بدون محدودیت برای فوتبال هزینه می‌کرد، امروز از باشگاه‌ها می‌خواهد بخشی از هزینه‌های خود را از محل درآمدهای واقعی تأمین کنند. این یعنی پایان چک‌های سفید.

به زبان ساده‌تر، پروژه‌ای که با شعار «هر ستاره‌ای را می‌خریم» آغاز شد، حالا وارد مرحله‌ای شده که مدیریتش مجبورند قبل از امضای هر قرارداد، ماشین حساب به دست بگیرند.

اعتصاب رونالدو؛ نخستین زنگ خطر

ماه‌ها قبل، غیبت طولانی کریستیانو رونالدو در مقطعی از فصل، با گمانه‌زنی‌های زیادی همراه شد. ابتدا گفته می‌شد او از سیاست‌های نقل‌وانتقالاتی النصر ناراضی است اما بعدها رسانه پرتغالی «بلوا» گزارش داد اختلافات مالی و تأخیر در پرداخت برخی مطالبات، نقش مهمی در این ماجرا داشته است.

اگر این روایت درست باشد، اهمیت موضوع دوچندان می‌شود، زیرا النصر، الاتحاد، الاهلی و الهلال همگی زیر چتر صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان اداره می‌شوند. یعنی اگر یکی از این باشگاه‌ها ناچار به انقباض

مالی شده باشد، بعید است دیگران از این تغییر سیاست مصون مانده باشند.

نیوکاسل هم دیگر آن پروژه سابق نیست

حتی پروژه نیوکاسل در لیگ برتر انگلیس نیز از این تغییر رویکرد بی‌نصیب نمانده است.

باشگاهی که قرار بود با سرمایه سعودی به یکی از قدرت‌های بلامنزاع فوتبال اروپا تبدیل شود، امروز نه‌تنها ستاره‌هایش را یکی پس از دیگری از دست می‌دهد، بلکه دیگر خبری از خریدهای پرسروصدا هم نیست. جدایی الکساندر ایساک، آنتونی گوردون و احتمال انتقال برونو گیمارش، نشان می‌دهد حتی در اروپا هم سیاست ریاض نسبت به گذشته تغییر کرده است.

به نظر می‌رسد شعار «هر قیمتی، هر بازیکنی» دیگر از دستور کار خارج شده است.

پیمان مکه؛ دفاعی یا تجاری؟

مصری فاش کرد قاهره تحفظات جدی خود را نسبت به ورود نظامی به این ائتلاف ابلاغ کرده است. مصر تأکید کرد دکترین سیاست خارجی این کشور بر عدم دخالت در عملیات نظامی فرامرزی و پرهیز از اقدامات تنش‌زا استوار است و هر گونه تصمیم نهایی نیز نیازمند بررسی‌های دقیق قانونی و اخذ موافقت پارلمان خواهد بود.

عدم تضمین اجرای مفاد پیمان مکه

آنچه در این میان حائز اهمیت است، عدم توانایی و تضمین و قدرت عربستان برای ملزم کردن کشورهای همپیمان به اجرای تعهدات‌شان است؛ موضوعی که در ایش پیمان سه‌جانبه دفاعی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

در فضای منطقه‌ای که تهدیدات بالقوه در آن واحد ممکن است بالفعل شود، کشورهای مختلف ریسک کمتری در حوزه نظامی می‌کنند. خصوصا اینکه وزن نظامی و توان طرف مقابل نیز در حد بسیار بالایی باشد. از این جهت با توجه به تجربه منفی عربستان در برابر مصر، کشورهای دیگر از جمله ترکیه و پاکستان نیز می‌توانند ره‌رو راه کشوری مثل مصر باشند و عربستان در این حوزه توانایی اعمال و الزام این کشورها را نخواهد داشت.

سوال این است: مگر سود این کشورها در حوزه نظامی چقدر است که قرار باشد ریسک‌های بالای امنیتی را بپذیرند؟ در این حوزه، به وقت زورآزمایی دیده می‌شود که مثلا کشوری همچون یمن که عربستان منازعه جدید و رودررویی با این کشور دارد، توان مقابله با کشوری مثل آمریکا را دارد؛ از این جهت کشورهاییکه از نظر نظامی توان کمتری از آمریکا دارند تا کجا می‌توانند برای عربستان آورده نظامی داشته باشند؟ هر چند این کشورها بدشان نمی‌آید منافع مالی در این حوزه عاید خود کنند. از این جهت بازنده اصلی چنین پیمان‌هایی کشورهای ضعیف‌تر در حوزه نظامی هستند؛ هر چند این پیمان‌ها برای دفاع از همین کشورها تدارک دیده شده است.

امنیت خریدنی است یا باید درون‌زا باشد؟

از همین رو نکته مهم این است که پیمان بستن برای وابستگی نظامی به کشورها به هر جهت نمی‌تواند منافع آنان را تأمین کند. از این رو این پیمان‌ها تنها باعث هدررفت سرمایه مالی کشورهایی مثل عربستان خواهد شد. بنابراین این نوع پیمان‌های نظامی غیر از وابستگی و ضعف نظامی برای کشورهای مختلف سودی نخواهد داشت و اصل

بر قدرت دفاعی درون‌زا برای مقابله با دشمن است؛ موضوعی که قطعاً ایران آن را به دنیا اثبات کرده است.

در زمانی که پیمان دفاعی ناتو روزهای ضعف خود را طی می‌کند، به نظر نمی‌رسد پیمان مکه بتواند برای طرفین عایدی زیادی داشته باشد.

سعودی به عنوان یک کشور که در حوزه نظامی توان حفاظت کامل از خود را ندارد، گویا مجبور است با چنین پیمان‌هایی برای خود درصدی از امنیت را از بیرون خریداری کند اما در بلندمدت این پیمان‌نامه‌های دفاعی تنها به باج یک‌طرفه تبدیل می‌شود.

اخیرا عنوان شده در یکی از بزرگ‌ترین قراردادهای نظامی تاریخ غرب آسیا، آمریکا مجوز فروش ۵۲۵۰ موشک رهگیر از نوع پاتریوت و تاد به بحرین، کویت، قطر و امارات را صادر کرده است؛ تجهیزاتی که قطعاً برای آمریکا سودآور خواهد بود اما برای این کشورها خصوصا در جنگ تحمیلی سوم نشان داد به هیچ‌وجه امنیت را به ارمغان نخواهد آورد و حتی باعث ناامنی آنها خواهد شد. حالا همین راه منفی را عربستان برای کشورهای دیگر نیز باز کرده و پیمان‌های ضعیف‌تری منعقد می‌کند.

ادامه از صفحه اول

اگر به کمی قبل‌تر رجوع کنیم، عربستان حتی خواهان خرید هواپیماهای جنگنده «اف ۳۵» بود که با سر و صدای بسیاری نیز همراه شد اما با وجود همه هزینه‌ها

حالا بعد از جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، این کشور نقطه ضعف عظیمی را در خود احساس می‌کند که به سمت کشورهای مثل ترکیه و پاکستان برای انعقاد پیمان دفاعی رفته است.

واقعیت این پیمان دفاعی را می‌توان پیمان دفاعی حفاظت از عربستان نام نهاد. اگرچه اختلافات عربستان با یمن پایه این پیمان دفاعی است اما با نگاهی به وزن این ۳ کشور به‌خوبی می‌توان دریافت سعودی از نظر دفاعی پایین‌تر از ۲ کشور دیگر قرار دارد و پول‌پاشی عربستان قرار است در اوزان مختلف این کشورها تعادل ایجاد کند. بر همین اساس این پیمان دفاعی بیشتر یک پیمان تجاری توصیف می‌شود؛ پیمانی که در آن قرار است عربستان منبع مالی باشد و ۲ کشور دیگر در این حیطه به عنوان تاجر دفاعی در آن حضور یابند.

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی رسپینا

021-92 00 00 00

www.respina.net